

شمس العدالة

— أَسْمَعْتُمْ أَنَّ خَلِيلَةَ الْمُسْلِمِينَ يَأْتِي إِلَى مَدِينَةِ الْأَنْبَارِ؟

مدينة الأنبار

— نَعَمْ. وَسَنَسْتَقْبِلُهُ بِحَفَاوةٍ.

— يَحِبُّ أَنْ لَا نَسْمَحَ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ أَنْ يَأْتُوا إِلَى الْاسْتِقبَالِ.

مولو كنا الساسائين في الماضي.

— حَسَنٌ.

في اليوم الموعود

خرج الأغنياء والمُثْرِفُون إلى باب المدينة.

جاء الأمير.

جاء الأمير.

حيثَنَدِ نَرَلِ الرَاكِبُونَ مِنْ مَرَاكِبِهِمْ لَا سُتِّقَابِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقَامُوا بِتَبَجِيلِهِ كَعَادِهِمْ فِي اسْتِقَابِيِّ
الْمُلُوكِ...



حول النَّصْ

١ اِنتَخِبْ عَنْوَانًا آخَرَ لِلنَّصْ (على حسب ذوقك) :

تعظيمُ الْأَمْرَاء

إِسْتِقْبَالُ الْخَلِيفَةِ

خَلِيفَةُ الْحَقِّ

٢ عَيْنُ الصَّحِيحَ عَلَى حَسْبِ النَّصْ :

- ١ خَرَجَ الْأَغْنِيَاءُ وَالْفَقَرَاءُ إِلَى بَابِ الْمَدِينَةِ لَا سُتْقِبَالٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.
- ٢ تَعَجَّبَ الْإِمَامُ (ع) عِنْدَمَا نَزَّلَ الرَّاكِبُونَ مِنْ مَرَاكِبِهِمْ لِتَبْجِيلِهِ.

٣ إِجْعَلْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلْمَةُ الْمُنَاسِبَةُ :

١ الْأَغْنِيَاءُ لَمْ يَسْمَحُوا لِلْفَقَرَاءِ أَنْ إِلَى الْإِسْتِقْبَالِ.

٢ إِسْتَقْبَلُوا الْإِمَامَ (ع) كَمَا الْمُلُوكَ.



این درس را برای چه می آموزیم؟

در درس قبل آموختیم که حروف عله‌گاهی اولین حرف اصلی فعل است (**مثال**) و گاهی حرف وسط آن (**اجوف**).

اکنون باید بدانیم آخرین حرف اصلی فعل نیز گاهی از حروف عله می‌باشد (**ناقص**), و این امر نیز باعث می‌شود وزن و آهنگ جدیدی برای فعل ایجاد شود. صیغه‌هایی از قبیل : **يدعوا، أُعْفُ، لم يَهِدْ** و... از این قبیل افعال هستند.

فعل معتل ناقص

به وزن و موسیقی فعل‌های معتل ناقص زیر توجه کنیم :

- | | |
|---------------------------------------|---------------------------------------|
| — هَدَى (هدایت کرد) | — دَعَا (دعا کرد، فراخواند) |
| — رَجَأ (امید داشت، تقاضا کرد) | — رَجَأ (امید داشت، تقاضا کرد) |
| — مَسَّى (راه رفت) | — تَلَّا (تلاؤت کرد) |
| — جَرَى (جاری شد، جریان یافت) | — عَفَا (عفو کرد) |

به الگوهای زیر توجه کنیم :

هَدْث	هَدْي	دَعْث	دَعَا
هَدَّتَا	هَدَّيَا	دَعَّتَا	دَعَّوَا
هَدَّيَنَ ^(۱)	هَدَّوَا	دَعَّوْنَ ^(۱)	دَعَّوَا

«الف» در آخر فعل های
ناقص همیشه قلب شده
یا تبدیل یافته «او» یا
«باء» است.

اگر حرف عله در ماضی
به شکل «الف» نوشته
شود، در تثنیه مذکور
و... به «او» تبدیل
می شود.

اگر حرف عله در
ماضی به شکل «ي»
نوشته شده باشد، در
تثنیه مذکور و... به «باء»
تبدیل می شود.

آیا می توانیم در صیغه های فوق ضمایر را پیدا کنیم؟
کدام یک از سه حرف فعل های «دَعَا» و «هَدَى» در
صیغه های مختلف تغییر کرده است؟



حال مطابق الگوهای فوق، جاهای خالی را پر کنیم :

...	←	رَمَى	←	تَلَأ
...
...



إِمَلَأُ الْفَرَاغَ بِالضَّمِيرِ الْمُنَاسِبِ :

— رَمَوا. — هَدَيْتُمْ.

— تَلَوْنَ. — دَعَوْنَا.

إِمَلَأُ الْفَرَاغَ بِالصَّيْغَةِ الْمُنَاسِبَةِ :

— هُن (تَلَأ) — أَنْتِ (دَعَا)

— أَنْتَمِ (رَمَى) — نَحْنُ (هَدَى)

۱- تمام صیغه های مخاطب و متکلم بر وزن همین صیغه اخیر هستند و همین گونه صرف می شوند.



به الگوی زیر توجه کنیم :



آیا با وزن و آهنگ فعل‌های مضارع فوق آشنا هستیم؟
مطابق الگوی فوق، فعل‌های ماضی آغاز درس را به مضارع تبدیل کنیم.



اکنون به الگوی زیر توجه کنیم :



حال طبق الگوی فوق، جاهای خالی را با فعل مضارع مناسب پُر کنیم :



١ ترجم الأفعال التالية :

— يَمْسُونَ، يَرْجُو، يَهْدُونَ، يَرْمِينَ

٢ عين الصَّحِيحَ والخطأ :

- | | | |
|---------------------|--------------------|--------------------|
| — هما تَلَوْنَ. | — هنَّ يَتَلَوْنَ. | — هما يَهْدِيَانِ. |
| — هنَّ هَدَيْتُنَّ. | — هيَ يَرْمِيَ. | — هم يَرْمِينَ. |



اكنون به آهنگ و وزن صيغه‌های مخاطب فعل‌های ناقص توجه کنیم :

تَهْدِيَنَ	تَهْدِي	تَذَعِينَ	تَذَعُّعُو
تَهْدِيَانِ	تَهْدِيَانِ	تَذَعُّوَانِ	تَذَعُّوَانِ
تَهْدِيَنَ	تَهْدُونَ	تَذَعُّونَ	تَذَعُّونَ

فعل‌های فوق را چند بار بخوانیم و تکرار کنیم .



اكنون مطابق الگوی فوق، صيغه‌های مخاطب فعل‌های زیر را صرف کنیم :

...	ترْزِي	...	شَلُو
...
...



عرب العبارات التالية :

— آیا خدایت را با اخلاص می‌خوانی؟ — شما قرآن را تلاوت می‌کنید.
— آنان به خدای خود امید دارند. — مؤمنان، گمراهان را هدایت می‌کنند.



آیا طریقہ ساخت و به کارگیری فعل‌های امر، را به خاطر می‌آورید؟
برای یادآوری بیشتر، ساخت فعل‌های امر صیغه‌های «نصرُ ، فتحَ ،
جلسَ» را با هم در کلاس تمرین کنیم .

✓ چرا در آغاز صیغه‌های امر فوق، از همزه استفاده کردیم؟

✓ حرکت همزه اول فعل امر، چگونه است؟

✓ آخر صیغه‌های امر چه تغییراتی کرده است؟



اکنون به الگوی ذیل توجه کنیم :

إهْدِ

تَهْدِي

أَدْعُ

تَدْعُو

با الگوبرداری از نمونه فوق، جاهای خالی را پر کنیم :



...

تَمْسِي

...

تَرْمِي

...

تَفْضِي

...

تَثْلُو

...

تَرْبُجُو

...

تَغْفُو

صیغه‌های مختلف فعل امر افعال خوانده شده را بسازیم و ترجمه کنیم.

نکته‌ها

۱ به الگوی زیر توجه کنیم :

لَمْ + يَهْدِي لَمْ يَهْدِ لَمْ يَدْعُو

اکنون مطابق الگوی فوق، جاهای خالی را پر کنیم :

لَمْ + تَمَشِّي ...

لَمْ + شَلُو ...

بنابراین :

فعل‌های ناقص بدون ضمیر بارز، هرگاه مجروم شوند، حرف عله از آخر آنها... می‌شود.

۲ با دو گروه از فعل‌های ناقص آشنا شدیم :

دَعَا - يَدْعُو هَدَى - يَهْدِي

دانستیم که تفاوت‌های ظاهری موجود میان این دو گروه، در نحوه صرف افعال ماضی و مضارع و امر تأثیراتی برجای می‌نهد، اکنون می‌خواهیم با گروه سوم از فعل‌های ناقص آشنا شویم :

رَضِيَ - يَرْضَى نَسِيَ - يَحْسَنَى حَشِيَ - يَحْسَنَى

حال به الگوی زیر توجه کنیم :

رَضُوا لِلْغَائِبِينَ رَضِيَ

اکنون با توجه به الگوی فوق، جای خالی را پر کنیم :

نَسِيَ

حَشِيَ

حال صیغه‌های مضارع سه فعل فوق را صرف کنیم؛ توجه داشته باشیم که حرکت عین الفعل در این گروه از فعل‌های مضارع، مفتوح است (يَحْسُنُونَ، يَحْسَنُونَ، تَحْسُنُونَ)

لِلتَّطْبِيقِ

اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة :

مَرِضَ رَجُلٌ عَجُوزٌ وَعَجِزَ أَنْ يَمْسِيْ عَلَى رِجْلِيهِ.
فَسَعَى ابْنُهُ أَنْ يَتَخَلَّصَ مِنْ وَالِدِهِ. ذَاتَ يَوْمٍ حَمَلَهُ عَلَى ظَهِيرَهُ
لِيَدْعُهُ خَارِجَ الْمَدِينَةِ. إِسْتَسْلَمَ الْأَبُ الْمُسْكِنُ وَلَمْ يَنْهِ ولَدَهُ
إِلَّا نَهَى لِمَ يَرْجُ هَدَايَتِهِ. وَفِي الطَّرِيقِ شَعَرَ الْابْنُ بِالْتَّعَبِ؛ فَتَوَقَّفَ
فِرْبَ شَجَرَةٍ لِلَا سَرَاحَةِ. حِينَئِذٍ نَظَرَ الْوَالِدُ إِلَى الشَّجَرَةِ ثُمَّ
تَلَاهُ هَذِهِ الْعِبَارَةُ الشَّرِيفَةُ : «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». سَأَلَ

الْوَالِدُ : مَا بَكَ؟! قَالَ الْعَجُوزُ : لَا أَسْئِي حَكَايَتِي مَعَ وَالِدِي. حَمَلْتُ وَالِدِي الَّذِي لَمْ يُشْفَ
مِنْ مَرِضِهِ، إِلَى خَارِجِ الْمَدِينَةِ وَأَلْقَيْتُهُ إِلَى زَاوِيَّةٍ وَتَرَكْتُهُ. وَأَنَا الْآنَ أُلْقَى جَزَاءَ عَمَلِي.
سَمِعَ الْوَلُدُ فَخَسِيَّ مِنْ عَاقِبَةِ أَمْرِهِ فَوَقَعَ عَلَى قَدَمِي وَالِدِي وَقَالَ : أَبَنَاهُ، عَفُواً، إِرْضِ
عَنِّي. أُعْفُ حَطَبِيَّتِي. أُدْعُ رَبَّكَ أَنْ يَعْفُوْ ذَنْبِي الْعَظِيمِ.

* * *

١ عَيْنِ الْأَفْعَالِ الْمُعَتَلَّةِ فِي النَّصِّ .

٢ هَلْ تَابَ الْوَلُدُ مِنْ ذَنبِهِ؟

٣ إِجْعَلْ عَنْوَانًا مُنَاسِبًا لِلْقَصَّةِ .

الثمين الثاني

إملأ الفراغ بالصيغة المناسبة :

- ١) **وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ ... عَلَى الْأَرْضِ هُوَنَّا** (المضارع من **مشى** —)
- ٢) **أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ ... أَنْفُسَكُمْ** (المضارع من **تبسي** —)
- ٣) **اللَّهُمَّ ... كُلُّ مَرِيضٍ.** (الأمر من **شفى**)
- ٤) **اللَّهُمَّ ... دَيْنَ كُلُّ مَدِينٍ.** (الأمر من **تفضي**)

الثمين الثالث

عين الصحيح في الإعراب والتحليل الصّرفي للكلمات التالية :

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ

يرث :

الف) فعل مضارع، معتلٌ و ناقصٌ، متعدٍ / فعلٌ مرفوعٌ و فاعله «عباد»
والجملة فعليةٌ و خبر إنَّ □

ب) فعل مضارع، معتلٌ و مثال، مبنيٌ للمعلوم / فعل و فاعله «عباد»
والجملة فعليةٌ و خبر إنَّ و مرفوع محلًا □

عباد :

الف) اسم، مفرد، مشتق و صفة مشبهة، معّرف بالإضافة / فاعل و مرفوع □

ب) اسم، جمع تكسير ومفرد «عبد»، معرب، منصرف / فاعل و مرفوع □

الصالحون :

الف) اسم، جمع سالم للمذكر، معرب، منصرف / نعت و مرفوع بالواو □

ب) اسم، مشتق واسم فاعل، معّرف بأـلـ / نعت و مرفوع بالنون □



۱ پاره‌ای افعال در زبان عربی دو مفعول می‌گیرند : رَزْق، زاد،
اعطَى، جَعَل و.... .

هنگام ترجمه به فارسی دقت کنیم که معمولاً یکی از دو مفعول با علامت
«را» و دیگری بدون علامت و یا همراه حرف متّم می‌آید :

إِلَهِي ارْزُقْنِي الصَّبِرَ الْجَمِيلِ . = ای خدای من به من صبر جمیل را روزی ده.
جَعَلْتُكَ أَمِينًا عَلَى أَسْرَارِي . = تو را بر اسرار خویش امین قرار دادم.

۲ مفعول بِ در زبان عربی، گاهی در ترجمه فارسی، همراه حرف اضافه به کار

می‌رود :

بَلَغَتُ الْمِنْزَلَ = به خانه رسیدم. أَجَابَهُ = به او پاسخ داد.

جَاهَدُ الْمُشْرِكِينَ = با مشرکان جهاد کن ! نَالَ غَايَتَهُ = به هدف خود رسید.

سَأَلَتُ الْمُعْلَمَ = از معلم پرسیدم. جَاءَهُ = نزد او آمد.

اقرأ النص التالي و ترجمة إلى الفارسية :

تَظَهَرَ ظَاهِرَةً «قوس قُرْحَ» مع أَلْوَانِهَا الْجَمِيلَةِ فِي الْأَيَّامِ الْمَاطِرَةِ. وَهَذِهِ الْأَلْوَانُ تَجْعَلُ السَّمَاءَ خَلَابَةً. وَلَكِنْ هَذَا الْأَمْرُ كَانَ سَبِيبًا فِي سَجْنِ أَحَدِ عُلَمَاءِ الرَّوْمِ فِي الْقُرُونِ الْمَاضِيَّةِ. كَانَ الرَّوْمِيُّونَ يَعْتَقِدُونَ أَنَّ قَوْسَ قُرْحَ عَذَابٌ مِنْ عَنْدِ اللَّهِ لِعِقَابِ النَّاسِ. وَلَكِنَّ هَذَا الْعَالَمَ كَانَ قَدْ اعْتَقَدَ بِمَا كَتَبَهُ الْعَالَمُ الْمُسْلِمُ قُطْبُ الدِّينِ الشِّيرازِيُّ الَّذِي هُوَ أَوْلُ مَنْ أَجَابَ السَّائِلِيْنَ عَنْ أَسْرَارِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ حِينَ اكْتَشَفَ أَنَّ قَوْسَ قُرْحَ يَحْدُثُ بِسَبِيبِ انْكِسَارِ ضَوءِ الشَّمْسِ فِي قَطَرَاتِ الْمَاءِ الصَّغِيرَةِ الْمُوجَوَّدةِ فِي الْجَوَّ عَنْدَ ثُرُولِ الْأَمْطَارِ. فَحَكَمَ الرَّوْمِيُّونَ عَلَى عَالَمِهِمْ بِالسَّجْنِ مَدَى الْحَيَاةِ. فَلَمَّا مَاتَ، أَخْرَقُوا جُثَثَهُ . فِي تِلْكَ الْفَتَرَةِ كَانَ الْمُسْلِمُونَ قَدْ بَلَغُوا مَنْزَلَةً رَفِيعَةً فِي الْعِلُومِ وَرَفَعُوا رَايَةَ التَّوْحِيدِ بِيَدِ وَمَشْعَلِ الْهَدَايَةِ بِالْأُخْرَىِ .

الْعُوَرُ الْجَمَالِيَّةُ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ

دور کن اساسی جمله «مسند» و «مسند إلیه» هستند.
 «مسند» می‌تواند به صورت « فعل» و یا «اسم» بیاید.

فعل مقید به یکی از زمان‌های سه‌گانه است (گذشته، حال، آینده). متکلم هنگامی که در جمله خود از فعل استفاده می‌کند، در حقیقت جمله خود را محدود و مقید ساخته است و آن را از عمومیت و شمول زمانی بر کثار داشته است. اما اسم از این ویژگی خالی است. از این رو زمانی که متکلم به جای «فعل» از «اسم» برای افاده مقصود خود بهره می‌گیرد، در حقیقت به دنبال ثبیت معنای مورد نظر در ذهن مخاطب و خارج کردن آن از محدوده زمان است. به آیات ذیل توجه کنیم

سپس آنها را باهم مقایسه نماییم :

بلاغت یعنی «مفهوم نحو».
 فاعل و مفعول و مبتدأ و خبر
 ظاهر «نحو» است، اما علت به
 کارگری آنها و دلیل استفاده از
 آنها در جای خاص و... همان
 «مفهوم نحو» است.

﴿إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الدُّنُوبَ جَمِيعًا﴾ ۱

﴿وَاللَّهُ يَرِزُقُ مَن يَشَاءُ بَغْيِ حِسَابٍ﴾ ۲

﴿إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ ۳

﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ﴾ ۴

با ترجمه تحت الفاظ نمی‌توان
 همه زیبایی‌ها و معانی موجود
 در یک عبارت را دریافت.

در آیه اول صفت غفران برای خداوند مورد تأکید قرار گرفته است و همین طور صفت رزاقیت در آیه دوم، اما این دو صفت در آیه سوم و چهارم ثبوت و استقرار و تأکید بیشتری دارد، آیا می‌دانید چرا؟

* * *

در آیات ذیل مشخص کنید کدام آیه مفهوم مورد نظر خود را با تأکید بیشتری بیان کرده است :

﴿وَ[اللَّهُ] خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ﴾

﴿أَلَّهُ خَالقُ كُلَّ شَيْءٍ﴾ ۱

﴿إِنَّ ذَلِكَ لَمُحِيطٍ بِالْمَوَى﴾

﴿وَاللَّهُ يُحِيطٌ بِوَمِّٰتٍ﴾ ۲

﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ﴾ ۳

اقرأ النص التالي و ترجمته :

سُئِلَ الْإِمَامُ عَلَيْهِ (ع) عَنِ الْخَيْرِ؛ مَا هُوَ؟ فَقَالَ :
 لِيَسَ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثُرَ مَالُكُ وَوَلْدُكُ، وَلَكِنَّ الْخَيْرَ
 أَنْ يَكْثُرَ عِلْمُكُ وَأَنْ يَعْظُمَ حَلْمُكُ وَأَنْ تُباهِي النَّاسَ
 بِعِبَادَةِ رَبِّكَ ! فَإِنْ أَحْسَنْتَ، حَمِدَتَ اللَّهَ وَإِنْ أَسَأْتَ،
 اسْتَغْفَرَتَ اللَّهَ . وَلَا خَيْرَ فِي الدِّنِيَا إِلَّا لِرَجُلِيْنِ : رَجُلٌ
 أَذْنَبَ ذُنُوبًاً فَهُوَ يَتَدَارَكُهَا بِالتَّوْبَةِ، وَرَجُلٌ يُسَارِعُ فِي
 الْخِيرَاتِ.

«حكمة ٩٤»

تَدَارَكَ : جبران كرد
رَجُلٌ : مرد، فرد، انسان
ولد : فرزند، فرزندان